

حکمرانی متعالی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ رهیافت انتقادی به الگوی معاصر

داود کریمی پور

استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه عالی دفاع ملی

چکیده

سیاست خارجی یکی از بارزترین جلوه‌های حکمرانی در یک دولت اسلامی است. در واقع وجه جهانی و بین‌المللی یک دولت با سیاست خارجی شناخته می‌شود. سیاست خارجی به اندازه‌ای در شکل‌گیری و استخوان‌بندی ماهیت دولت اسلامی نقش آفرینی می‌کند که بسیاری از تحلیلگران، سیاست خارجی را به مثابه ابزار سنجش دولت اسلامی در نظر می‌گیرند. در این راستا، پرسش اصلی این مقاله آن است که چرا سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران هنوز نتوانسته به سیاست خارجی در تراز نظام اسلامی نزدیک شود؟ در پاسخ به این سوال، فرضیه مقاله پیش‌رو آن است که علت تحقق نیافتن سیاست خارجی مطلوب در ایران، الگوی حکمرانی آن بوده و این مهم جز با درپیش گرفتن و اجرای الگوی حکمرانی متعالی در سیاست خارجی به دست نمی‌آید. به منظور تصدیق این فرضیه، عملکرد سیاست خارجی در دوره کنونی مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد، الگوی حکمرانی معاصر از آنجا که با اصول و مبانی حکمرانی متعالی در سیاست خارجی فاصله دارد، لذا در حیطه عمل هم نتوانسته، عملکرد مطلوبی داشته باشد. لذا تا زمانی که سیاست خارجی مبتنی بر اصول حکمرانی متعالی مستقر نشود، همچنان باید شاهد نقص عملکردی و نارسایی سیاست خارجی در حفظ منافع و تحقق اهداف ملی بود.

واژگان کلیدی: حکمرانی متعالی، قانون اساسی، رهبران انقلاب اسلامی، سیاست خارجی، غرب‌گرایی

Transcendent Governance in Iranian foreign policy; a critical approach to the contemporary model

Foreign policy is one of the most obvious manifestations of governance in an Islamic state. In fact, the global and international face of a government is known by its foreign policy. Foreign policy plays such a role in shaping and ossifying the nature of the Islamic State that many analysts consider foreign policy as a tool to measure the Islamic State. In this regard, the main question of this article is why the foreign policy of the Islamic Republic of Iran has not yet been able to approach foreign policy at the level of the Islamic system? In answer to this question, the hypothesis of the present article is that the reason for the non-realization of the desired foreign policy in Iran is its governance model, and this can only be achieved by adopting and implementing the model of transcendent governance in foreign policy. In order to confirm this hypothesis, the performance of foreign policy in the current period has been examined. Findings show that the model of contemporary governance, since it is far from the principles and foundations of transcendent governance in foreign policy, so in the field of action has not been able to have the desired performance. Therefore, until a foreign policy based on the principles of transcendent governance is established, we must continue to witness the functional flaws and inadequacies of foreign policy in maintaining national interests and achieving national goals.

Keywords: Transcendent Governance, Constitution, Leaders of the Islamic Revolution, Foreign Policy, Westernism

مقدمه

بیان مسأله: با وجود چهل سال از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، سیاست خارجی هنوز نتوانسته همتراز با گفتمان انقلاب و نظام اسلامی شود. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همچنان در دستیابی به اهداف و آرمان های نظام اسلامی، ناکارآمد بوده و الگوهای موجود در این عرصه دیپلماسی و سیاست خارجی نتوانسته اند، بیانگر ایده و الگوی یک دولت اسلامی باشد.

مفروض: سیاست خارجی کنونی در جمهوری اسلامی ایران در تراز نظام اسلامی نبوده و فاصله زیادی با الگوی مطلوب در یک دولت اسلامی دارد.

نوع و روش تحقیق: روش تحقیق این مقاله از نوع کیفی و بر اساس مدل توصیفی-تحلیلی تنظیم شده است.

هدف: ارایه یک الگوی تحلیلی در بررسی حکمرانی سیاست خارجی است.

پرسش اصلی: چرا سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران هنوز نتوانسته به سیاست خارجی در تراز نظام اسلامی نزدیک شود. فرضیه مقاله پیش رو آن است که ریشه اصلی تحقق نیافتن سیاست خارجی مطلوب در ایران، الگوی حکمرانی آن بوده و این مهم جز با در پیش گرفتن و اجرای الگوی حکمرانی متعالی در سیاست خارجی به دست نمی آید.

پرسش های فرعی: تفاوت ها و تناقض های حکمرانی کنونی با حکمرانی متعالی سیاست خارجی کدام اند؟ عملکرد حکمرانی سیاست خارجی کنونی تاچه اندازه به حکمرانی متعالی نزدیک بوده است؟

چارچوب تحلیلی: حکمرانی متعالی سیاست خارجی

سیاست خارجی از دیرباز به عنوان یک حوزه پرمناقشه و چالش برانگیز میان دانشمندان سیاست مطرح بوده است. از این رو، مباحث فراوانی در رابطه با کارکردها، فرایندها و شیوه های تصمیم گیری در سیاست خارجی در میان اندیشمندان این عرصه مطرح شده است. با این حال آنچه تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته، مقوله حکمرانی سیاست خارجی است. برخی از کارشناسان معتقدند سیاست خارجی اگرچه مقوله ای کاملاً پیچیده است، اما دولت

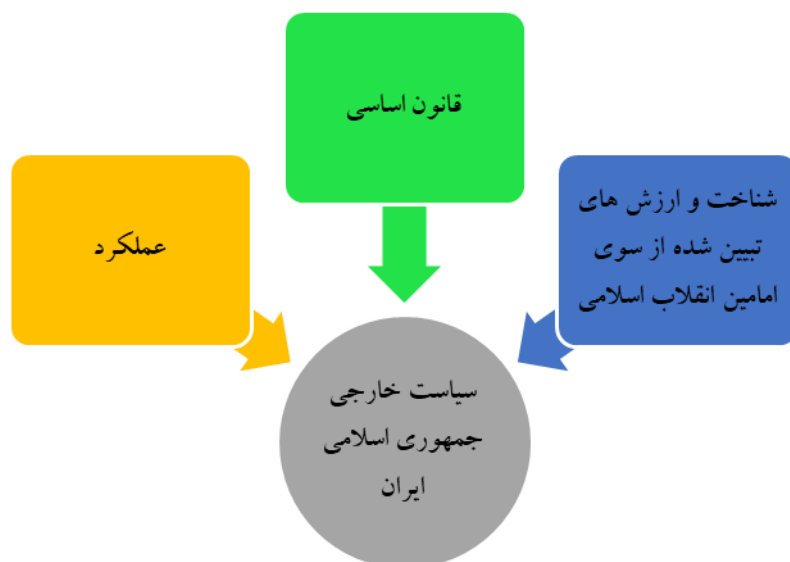
ها حکمرانی سیاست خارجی را در چهار کارکرد اصلی دنبال می کنند. امنیت، رفاه اقتصادی، توسعه و در نهایت کرامت انسانی چهار کارکرد اصلی در حکمرانی سیاست خارجی است (Fidler, 2007: 53). مبتنی بر این کارکردها می توان ادعا کرد که سیاست خارجی یکی از متعالی ترین امور عمومی در زندگی بشر امروز است؛ چرا که وظیفه خطیر تولید امنیت، ارتقای رفاه اقتصادی، پیشرفت و همچنین حفظ و ارتقای کرامت انسانی را بر عهده دارد. این در حالی است که موفقیت سیاست خارجی هر کشوری و تصویر ارایه شده از آن و پایایی این موفقیت به طور نسبی نیازمند بایسته های داخلی حکمرانی آن است (سیمبر، ملکی، ۱۳۹۸: ۲۶۷). اما مقاله حاضر به دنبال تبیین حکمرانی متعالی در سیاست خارجی است. از این حیث لازم است تا ابعاد و بایسته های حکمرانی متعالی در عرصه دولتی شناسایی شود.

شاید مهم ترین بعد حکمرانی متعالی، قانون اساسی آن نظام سیاسی است. قانون اساسی سند اساسی راهنما بوده که مانند نقشه حکمرانی عمل می کند (خاشعی، هرندی، ۱۳۹۳: ۱۰۰). در کنار قانون اساسی، عامل شناخت و ارزش ها و عملکرد نیز به عنوان ارکان مهم حکمرانی متعالی در سطح یک دولت به شمار می آیند (خاشعی، هرندی، ۱۳۹۳: ۱۰۲-۹۳). در این راستا لازم است تا با تبیین این ارکان بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ابعاد حکمرانی متعالی در این راستا شناسایی شوند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی و به موازات تغییرات بنیادین در چارچوب حکومت و اداره کشور، دیپلماسی هم دستخوش تحولات عمیقی گردید که در این راستا مبانی ارزشی انقلاب الهام گرفته از احکام دین مبین اسلام، اهرم تغییرات را در ساختار دیپلماسی برعهده داشتند. حضرت امام خمینی (ره) که عهده دار رهبری و هدایت انقلاب بودند، پس از پیروزی انقلاب تمام تلاش خود را برای نوسازی دیپلماسی منطبق بر اصول و ارزشهای اسلامی به کار می بردند و در هر فرصتی به مسئولان و گردانندگان آن لازمه انطباق تصمیمات در عرصه سیاست خارجی با موازین و معیارهای شرعی را گوشزد می نمودند.

از سوی دیگر منویات و دیدگاه های ناب و زلال مقام معظم رهبری علاوه بر شائن سیاست گذاری کلان برای نظام اسلامی، به دلیل مبتنی بودن بر بنیان های مستحکم فکری، اعتقادی، گنجینه گرانسنگی برای کشور به شمار می رود؛ اندیشه هایی که با وقایع جامعه تطبیق می کند و می تواند مرهمی بر آلام جامعه باشد. این

اندیشه‌ها بدان دلیل بسیار ارزشمند و گران سنگ‌اند که علاوه بر غنا و استواری تئوریک و بنیادی، کاربردی نیز می‌باشند. علاوه بر این، باید به اصول قانون اساسی که در واقع چارچوب رفتار دولت‌ها در عرصه سیاست خارجی را تعیین می‌کند، اشاره کرد. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در واقع بتواند اصول قانون اساسی را در عرصه خارجی محقق کند و لذا میزان موفقیت و کامیابی سیاست خارجی هر دولت را باید بر اساس این سه شاخصی یعنی خط و اندیشه امام راحل به عنوان بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی، مقام معظم رهبری به عنوان سکандار هدایت و راهبری سیاست خارجی و همچنین اصول قانون اساسی ارزیابی کرد.



نمودار ۱- اصول سیاست خارجی مبتنی بر حکمرانی متعالی

۲. حکمرانی متعالی سیاست خارجی مبتنی بر اصول قانون اساسی

طبق قانون اساسی، دولت باید سیاست خارجی را مبتنی بر معیارهای اسلامی^۱، ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی و وحدت جهان اسلام^۲، نفی هر گونه ستمگری و ستم کشی^۳، دفاع از حقوق همه مسلمانان جهان^۴، طرد کامل استعمار^۵، روابط صلح آمیز با دولت غیرمحراب^۱ تنظیم کند. همچنین قانون اساسی «عدم تعهد در برابر قدرتهای

^۱ اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

^۲ اصل یازدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

^۳ اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

^۴ اصل صدوپنجاه و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

^۵ اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

سلطه گر» را یکی از وظایف دولت در سیاست خارجی ارزیابی می کند. مبتنی بر این اصول، می توان اصول حکمرانی متعالی سیاست خارجی را در تصویر ذیل بازشناسایی کرد.



نمودار ۲- حکمرانی متعالی سیاست خارجی مبتنی بر اصول قانون اساسی

گفتمان هر دولتی، نظام معنایی حاکم بر ساختار دولت را مشخص می کند. که براساس آن شاهد اتخاذ راهبردها و سیاست های کلی خارجی از دولت حاکم هستیم. در چهار دهه حیات بابرکت نظام جمهوری اسلامی، شاهد شکل گیری گفتمان های متفاوتی بر سیاست خارجی ایران هستیم. گفتمان هایی که بر ساختار تدوین و تصمیم گیری ایران در عرصه داخلی و بین المللی موثر بوده و راهبردهای متفاوتی را برای سیاست خارجی به همراه آورده اند. در شکل گیری این گفتمان، شخص رئیس جمهور از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. روسای که با اتخاذ و باور به گفتمانی، نظام معنایی خاصی را برای دولت خود تعریف می کنند.

۳. حکمرانی متعالی مبتنی بر ارزش ها و شناخت رهبران انقلاب اسلامی

^۱ اصل صدوپنجاه و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

دیدگاه و رهنمودهای مقام معظم رهبری به عنوان یکی دیگر از ارکان و اصول اصلی حکمرانی متعالی سیاست خارجی بیانگر راهبردها و اهداف سیاست خارجی مطلوب برای نظام اسلامی است. در ذیل به برخی از دیدگاه ها و رهنمودهای معظم له اشاره می شود:

- اگر ما برای جامعه انقلابی و اسلامی، به دیپلماسی انقلابی و اسلامی قائل هستیم، باید در درجه اول جهت گیری اسلامی حفظ شد و گستاخی و شجاعت در مقابل تهدیدهای دشمنان و قدرتهای بزرگ و نیز حاکمیت عقل و منطق بر تصمیم گیریها و حرکات، مورد توجه قرار بگیرد. این، خط درست دیپلماسی است.^۱
- ما با نظام ارباب - رعیتی در سطح جهان مخالفیم؛ ما با نظام سلطه مخالفیم. اساس سیاست خارجی ما این است که ما این ایده مخالفت با سلطه گری و سلطه پذیری را، به عنوان یک ستون مستحکم، در فضای سیاست بین المللی در سطح دولت ها و ملت ها استقرار دهیم.^۲
- ابتکار عمل در مسأله ارتباطات خارجی، بسیار مهم است. این که کشوری با دیپلماسی منفعل منتظر باشد دیگران چه می گویند و چه می کنند و بر اساس آن و به مقتضای ضرورت و موقعیت تصمیم بگیرد، بدترین شکل دیپلماسی است؛ باید از این به شدت پرهیز کنیم مراقب باشیم این طور پیش نیاید.^۳
- اهداف راهبردی و قواری کلی سیاست خارجی امروز ما که بیست و پنج سال از انقلاب گذشته است، با ساعت اول انقلاب هیچ تفاوتی نکرده؛ این، آن نکته ی اساسی و اصلی است که در ذهن همه ی کارگزاران سیاست خارجی ما بایستی وجود داشته باشد. اصول سیاست خارجی ما از اصول انقلاب ما جدا نیست. ما کار کوچکی که نکردیم؛ ما حادثه و پدیده ی جدید و عظیم و عمیق و ماندگاری را به وجود آورده ایم که انقلاب اسلامی و ایجاد نظام جمهوری اسلامی است. ما چه در اول انقلاب اصول سیاست خارجی خودمان

^۱ بیانات در تاریخ ۱۳۶۸/۵/۳۱

^۲ بیانات در تاریخ ۱۳۸۳/۵/۲۵

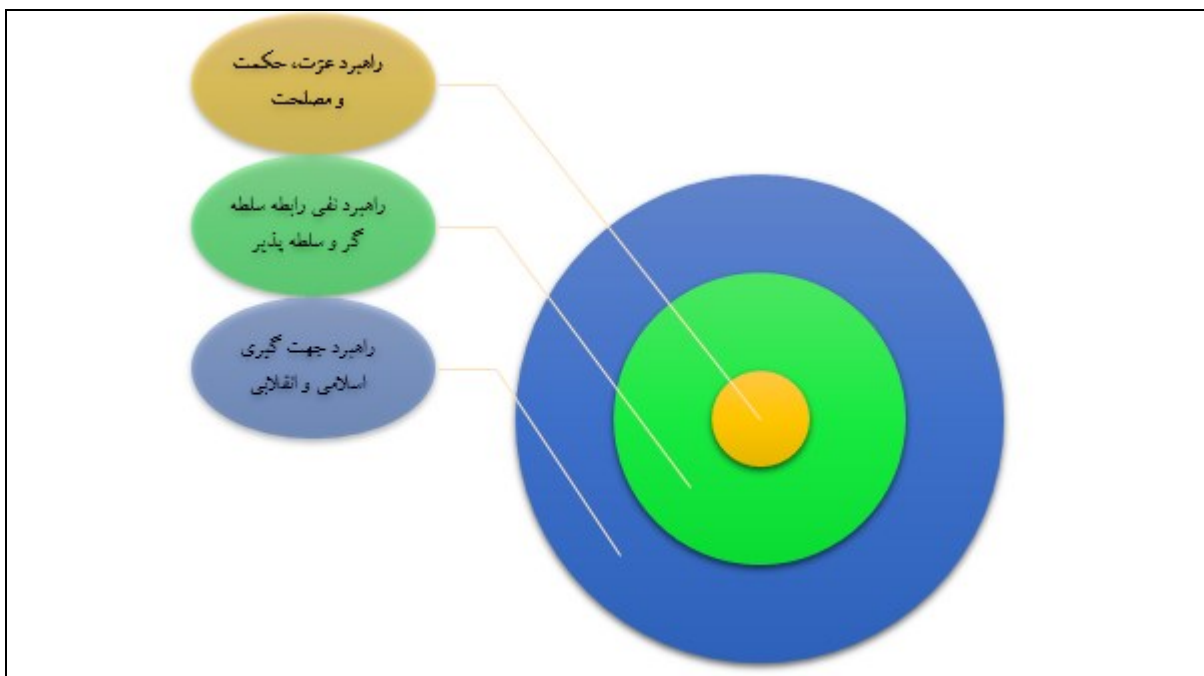
^۳ بیانات در تاریخ ۱۳۸۲/۵/۲۷

را تدوین کرده باشیم و چه نکرده باشیم، نفس ایجاد این حرکت و پدیده‌ی جدید، در بطن خود تکلیف ما را در مسائل سیاست خارجی روشن کرده است.¹

همانطور که در ادبیات و بیانات مقام معظم رهبری مشاهده می شود، بر این اساس، راهبرد و رویکرد صحیح در عرصه سیاست خارجی باید تابع اهداف و آرمان‌های اول انقلاب باشد. درواقع سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی باید همان اهداف و راهبردها که در ابتدای انقلاب وجود داشت را دنبال کند. راهبردهای و اهدافی که از سوی بنیانگذار انقلاب اسلامی تبیین شده، امروز نیز باید رأس العین سکنداران دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی باشد.

از جمله مهم ترین راهبردهایی که امام خمینی در زمینه سیاست خارجی بدان اعتقاد داشتند، بحث از صدور انقلاب و تداوم گفتمان انقلاب اسلامی بود. ایشان معتقدند بود «و با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی -صلی الله علیه و آله - است، به سیطره و سلطه و ظلم جهانخواران خاتمه می دهیم.» (صحیفه امام؛ ج ۲۰، ص ۳۴۵) همچنین ایشان در جایی دیگر یکی از دیگر راهبردهای مهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را جلوگیری از ظلم و ظلم ستیزی عنوان کرده اند «ما منطقمان، منطق اسلام، این است که سلطه نباید از غیر بر شما باشد. نباید شما تحت سلطه غیر بروید. ما هم می خواهیم نرویم زیر سلطه.» (صحیفه امام؛ ج ۴، ص ۹۱). بر این اساس بر اساس سه شاخص و معیار مذکور چارچوب تحلیلی این مقاله، راهبردهای اصلی سیاست خارجی در تراز نظام اسلامی را در نمودار ذیل نشان داد:

¹ بیانات در تاریخ ۱۳۸۳/۵/۲۵



نمودار ۳- ارزش های تبیین شده از سوی رهبران انقلاب اسلامی برای حکمرانی سیاست خارجی

می توان گفت، راهبرد مطلوب از منظر امام خمینی، مقام معظم رهبری و قانون اساسی براساس این سه اصل قالب بندی می شود (شمسینی، نصیری، ۱۳۹۴: ۸-۹). از نظر مقام معظم رهبری مهم ترین اصل در سیاست خارجی ایران، حمایت از هویت نظام اسلامی و پافشاری بر اصول و ارزش ها است و سه اصل عزت، حکمت و مصلحت یک مثلث الزامی برای چارچوب ارتباطات بین المللی بوده و به هیچ وجه هیچ خدشه ای بدان وارد نمی شود (واعظی دهنوی، ۱۳۹۱: ۱۶۵). از این نظر اکنون می توان راهبرد و رهیافت سیاست خارجی دولت آقای روحانی را بر اساس این راهبردهای سه گانه مورد ارزیابی قرار داد. در واقع این مدل تحلیلی کمک می کند تا میزان انطباق راهبرد سیاست خارجی دولت ها را با سیاست خارجی مطلوب نظام اسلامی به خوبی مشخص شود. مهم ترین مزیت این مدل تحلیلی، استناد به بیانات، دیدگاه ها و رهنمودهای رهبران انقلاب اسلامی و اصول قانون اساسی است.

۴. ارزیابی الگوی معاصر در حکمرانی سیاست خارجی

با توجه به آنچه در باب حکمرانی متعالی در دو ساحت گفتمانی و راهبردپردازی گذشت، اینکه به بررسی و ارزیابی گفتمان معاصر در عرصه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پرداخته می شود. در ادامه مفصل گفتمانی و چارچوب های راهبردی معاصر در عرصه سیاست خارجی دولت دوازدهم مورد ارزیابی قرار می گیرد.

۴-۱. مقایسه الگوی معاصر حکمرانی با حکمرانی متعالی بر اساس اصول قانون اساسی

گفتمان سیاست خارجی کنونی مبتنی بر اصل اعتدال شکل گرفته است. گفتمان مذکور بیش از آنکه سازه ای از پیش تعیین شده باشد، حاصل نظام معنایی و قائلان آن است. تصور سازندگان گفتمان اعتدال آن است که می توان با حفظ اصول سیاست خارجی، از میزان تنش ها و فشارها و منازعه های بین المللی کم کرده و تبدیل به یک کشور مستقل و البته عادی و بدون تنش در روابط بین الملل شود، تا از این طریق بتواند به تحقق اهداف بیشتر اقتصادی خود پردازد. به عبارت دیگر، قائلان این گفتمان معتقدند آرمان خواهی و پیگیری ارزش های انقلاب اسلامی در عرصه بین المللی با توجه به نقاط ضعف کشور و نقاط قدرت ابر قدرت ها، حالت شعارگونه پیدا کرده و بیشتر به هزینه زایی برای کشور منتهی می شود (آجیلی، افشاریان، ۱۳۹۵: ۶۶). این اعتقاد به وضوح دربیانات رئیس دولت نمود یافته است:

«باید بینیم آیا سیاست خارجی خوب به این معناست که حرف هایی بزنیم که تکبیر آفرین باشد؟ حقیقت این است که این موارد سیاست خارجی را درست نمیکند؛ چرا که سیاست خارجی یعنی راه و روش سلوک با دنیا که در نتیجه آن یا تهدیدی کاسته و یا منفعتی عاید کشور شود. «بر همین اساس، اولویت اصلی دولت روحانی، روابط با کشورهای است که از اهمیت راهبردی برخوردار باشند؛ یعنی آمریکا کشورهای اروپایی (محک سیاست خارجی با بشکه های نفت ۱۳۹۳/۱۰/۳۰). در واقع این مهم بدان معناست که منظور از اعتدال، تعامل موثر با کدخدا و توافق با وی است. همانطور که روحانی خود به صراحت به این نکته اشاره می کند: «آمریکاییها کدخدای ده هستند، با کدخدا بستن راحتتر است»^۱ به نظر می رسد جهان مورد نظر دولت کنونی همان جهان توسعه یافته و کشورهای توسعه یافته هستند. کشورهایی که هدف اساسی دولت روحانی که همان تولید ثروت مادی از طریق مدل و الگوی خاص اقتصادی است را می توانند مهیا کنند. براساس چارچوب تحلیلی این مقاله، اساساً چنین گفتمانی با اصول قانون اساسی، اندیشه امام خمینی و رهنمودهای مقام معظم رهبری، زاویه داشته و دارای نقاط افتراق و اختلاف جدی است.

^۱ <https://www.mehrnews.com/news/2054218/%D8%A2%D9%85%D8%B1%DB%8C%DA%A9%D8%A7-%DA%A9%D8%AF%D8%AE%D8%AF%D8%A7-%D8%A7%D8%B3%D8%AA-%D8%A8%D8%A7-%D8%A2%D9%85%D8%B1%DB%8C%DA%A9%D8%A7-%D8%A8%D8%A8%D9%86%D8%AF%DB%8C%D9%85-%D8%B1%D8%A7%D8%AD%D8%AA-%D8%AA%D8%B1%DB%8C%D9%85-%D8%A8%D9%87%D8%AA%D8%B1%DB%8C%D9%86-%D8%B1%D8%A7%D9%87-%D9%86%D8%A7%D8%A8%D9%88%D8%AF%DB%8C>

بر این اساس می‌توان گفت مفصل بندی گفتمانی دولت کنونی مغایر با اصول سیاست خارجی در قانون اساسی است. قانون اساسی «عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر»^۱ را یکی از وظایف دولت در سیاست خارجی ارزیابی می‌کند. این در حالی است که گفتمانی که آقای روحانی در عرصه سیاست خارجی دنبال می‌کند، عملاً مغایر با این اصل از قانون اساسی است. چرا که دولت یازدهم و دوازدهم عملاً طی این سال‌ها تعهدات گسترده‌ای به قدرت سلطه‌گر ایالات متحده آمریکا داشته است.

حتی باید این نکته را افزود که دولت در تحقق گفتمان اعتدال در سیاست خارجی نیز موفق نبوده است. همانطور که در بالا ذکر شد، گفتمان اعتدال گرایی تعامل محور دولت کنونی که علی‌القاعده باید میان ابزارها، گزینه‌ها و عناصر قدرت در سیاست خارجی به شکل متعادل پیگیری کند، اما در این زمینه ناموفق بوده است.

این در حالی است که طبق قانون اساسی، دولت باید سیاست خارجی را مبتنی بر معیارهای اسلامی^۲، ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی و وحدت جهان اسلام^۳، نفی هر گونه ستمگری و ستم‌کشی^۴، دفاع از حقوق همه مسلمانان جهان^۵، طرد کامل استعمار^۶، روابط صلح آمیز با دولت غیرمحارب^۷ تنظیم کند که به می‌رسد، گفتمان اعتدال‌گرایی تعامل محور دولت آقای روحانی ظرفیت لازم برای همراهی با این اصول را ندارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت، حکمرانی سیاست خارجی دولت آقای روحانی بیش از آنکه مبتنی بر اصول قانون اساسی باشد، مبتنی بر گفتمان غرب گرایی آمریکا-محور مفصل بندی شده است.

نمودار ۴- تطابق ناپذیری حکمرانی معاصر با الگوی حکمرانی مبتنی بر اصول قانون اساسی

^۱ اصل صدوپنجاه و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

^۲ اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

^۳ اصل یازدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

^۴ اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

^۵ اصل صدوپنجاه و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

^۶ اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

^۷ اصل صدوپنجاه و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران



۴-۲. مقایسه ارزش های حکمرانی کنونی با ارزش های تبیین شده رهبران انقلاب اسلامی

مهم ترین بحران نظری و عملی جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی، تقابل واقع گرایی و آرمان گرایی بوده است (غرایق زندی، ۱۳۸۷: ۳۰۶). همین معضل نیز به طور مشخص در سیاست خارجی دولت کنونی نیز مشاهده می شود. راهبرد تنش زدایی که در الگوی معاصر حکمرانی سیاست خارجی دنبال شد نیز نشان می دهد که دولت در برزخ میان آرمان گرایی و واقع گرایی تلاش می کند تا خود را به سمت واقع گرایی نزدیک کند.

طی الگوی معاصر حکمرانی که از ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ ادامه یافته تلاش شد تا روابط خود با سایر کشورها و به ویژه کشورهای اروپایی و آمریکایی بازسازی شود. در واقع راهبرد تنش زدایی در سیاست خارجی ایران زمانی مطرح شد که پس از کنار رفتن دولت دهم، روابط ایران با کشورهای اروپایی و آمریکایی در وضعیت مطلوبی قرار نداشت و از این رو دولت مسأله اصلی خود را در زمینه تنش زدایی با جهان قرار دارد. حال آنکه در پیش گرفتن چنین راهبردی با واقعیت های محیطی و پیرامونی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همخوانی نداشت. تنش زدایی بیشتر راهبردی بود که در سال های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴ در سیاست خارجی ایران دنبال شد که با توجه عقبه فکری و سیاسی دولت سازندگی و اصلاحات و همسویی آن با بنیان های فکری سکانداران هدایت دستگاه دیپلماسی در دولت یازدهم و دوازدهم، این راهبرد به عنوان یک محور اصلی رفتار خارجی ایران انتخاب شد. با وجود این، مشاهد شد که راهبرد سیاست خارجی دولت آقای روحانی نه تنها به بهبود روابط ایران با جهان کمکی نکرد، بلکه ایران چه در محیط منطقه ای و چه در محیط بین المللی بیش از پیش تحت فشار قرار گرفت.

دولت کنونی در عرصه سیاست خارجی براساس راهبرد تنش زدایی تلاش کرد تا رفتار بین المللی دولت خود را بر اساس سه اولویت قرار دهد که البته با ناکامی جدی روبه رو شد. سیاست اعتمادسازی، بازدارندگی هسته ای و رفع اختلاف ها از طریق دیپلماسی سه پایه راهبرد تنش زدایی هستند که از سوی دولت سازندگی و اصلاحات دنبال شدند و باردیگر آقای روحانی نیز پیگیری سیاست خارجی خود را بر همین اساس تنظیم کرد.

این در حالی است که مبتنی بر بررسی تلفیق آرمان گرایی و واقع گرایی در اندیشه بنیانگذار انقلاب اسلامی مسیری متفاوت از تنش زدایی را در حکمرانی سیاست خارجی تنظیم می کند. امام خمینی به عنوان یک آرمان گرای واقع بین دانست که در عین اعتقاد به اصلاح وضع موجود و تبیین حکومت جهانی مطلوب و موردنظر خود، حفظ وضع موجود بر اساس نظامی قانونمند را به عنوان ضرورتی اولیه پذیرفتند و با توجه به قائل شدن این ماهیت بینابینی برای ساختار و کارکرد نظام بین الملل، راهکارهایی را در سیاست خارجی برای تلفیق آرمان گرایی و واقع گرایی ارائه داده اند. در این میان، نه تنها تنش زدایی در تفکر آرمان گرایی واقع بینانه امام خمینی (رحمه الله) جایی نداشته، بلکه مبارزه با سیطره جویی استکبار به منظور نضج قدرت های متوسط در جهان و تلفیق قدرت معنوی و قدرت مادی به منظور پرهیز از تکیه بر قوای قهرآمیز و وحشت زا مورد اهتمام قرار می داد (دهشیری، ۱۳۷۸: ۳۰۵). لذا در نمودار ذیل، عدم انطباق ایده های مطرح شده در حکمرانی معاصر با ارزش های تبیین شده از سوی رهبران انقلاب ترسیم شده است.

نمودار ۵- تطابق ناپذیری راهبردهای حکمرانی معاصر با ارزش های تبیین شده از سوی رهبران انقلاب در حکمرانی

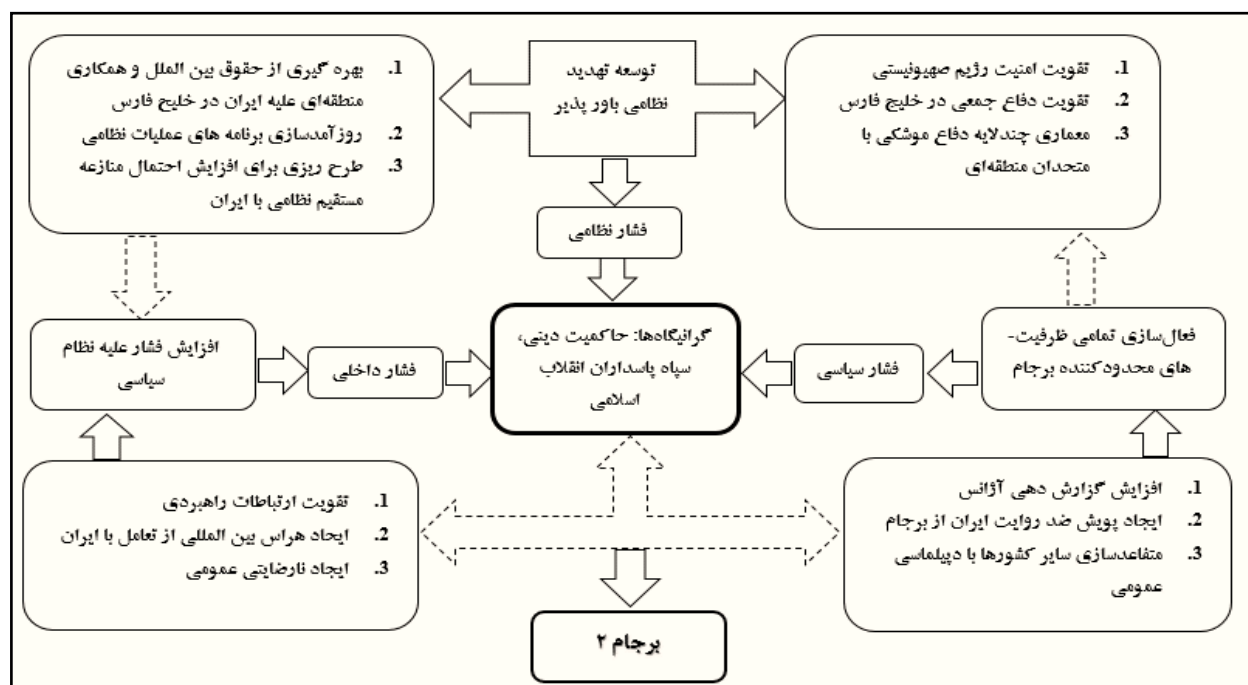
سیاست خارجی



نتیجه راهبرد تنش زدایی در عرصه سیاست خارجی منجر به فشارهای بی سابقه و همه جانبه ای بر ضد جمهوری اسلامی ایران شد که دولت آمریکا و متحدان اروپایی این کشور را امیدوار به دستیابی به برجام دیگری کرده است. به عبارت دیگر، دولت یازدهم و دوازدهم اگرچه در عرصه شفاهی، راهبرد خود را مبتنی بر تنش زدایی عنوان کرده اند، اما به دلیل عدم استفاده صحیح از ظرفیت ها و نقاط قوت داخلی، این راهبرد در واقع به راهبرد مماشات و سازش تغییر ماهیت داده است.

نمودار ۶- نتایج عملی راهبرد تنش زدایی در الگوی معاصر حکمرانی سیاست خارجی

در واقع تجربه چهل سال انقلاب اسلامی ایران نشان داده که هر گاه راهبرد تنش زدایی در سیاست خارجی ایران



دنبال شده، نه تنها فشارها کاهش نیافته، بلکه حجمه ها و فشارهای خارجی به ویژه در عرصه سیاسی و اقتصادی به مراتب افزایش یافته است. از این رو باید گفت، دولت کنونی، رویکردی مغایر با رویکرد مطلوب قانون اساسی و امامین انقلاب اسلامی در پیش گرفت که نتیجه‌ای جز از دست رفتن فرصت‌های راهبردی برای ارتقای امنیت ملی و تأمین اهداف و منافع ملی نداشت.

۵. نقد عملکرد الگوی معاصر حکمرانی

انطباق ناپذیری الگوی معاصر حکمرانی در سیاست خارجی دولت با حکمرانی متعالی سبب ناکارآمدی و شکست دولت در دستیابی به اهداف و منافع ملی بوده است. بر همین اساس شاهد شکاف میان خروجی های موردانتظار از سیاست خارجی مبتنی بر چارچوب تحلیلی ارایه شده و نتایج الگوی معاصر سیاست خارجی دولت کنونی بوده ایم. مقام معظم رهبری اولویت کاری سیاست خارجی دولت کنونی را ترتیب ذیل مشخص کرده اند:^۱

نمودار ۷- اولویت های کاری حکمرانی متعالی سیاست خارجی

¹ www.farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23743



با توجه به اینکه بررسی کامل این اولویت ها در حوصله این مقاله نیست، به بررسی اهم اولویت ها و موارد اصلی پرداخته می شود که خود می تواند سنجه دقیقی برای عملکرد دولت یازدهم و دوازدهم باشد.

۱-۵. دفاع از حقوق هسته ای ملت ایران

تجربه برجام و از دست رفتن حقوق هسته ای ملت ایران طی دوره معاصر، در واقع نتیجه اجرایی نشدن اصول حکمرانی متعالی چه در ساحت قانون اساسی و چه در ساحت ارزش ها و شناخت رهبران انقلاب اسلامی بوده است. در این رابطه با باردیگر به شاخص های حکمرانی متعالی در این مقاله اشاره می شود تا عملکرد الگوی معاصر حکمرانی سیاست خارجی ایران به طور دقیق تری مورد ارزیابی قرار بگیرد.

مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان نیروی دریایی ادعاهای طرف آمریکایی درباره تمدید تحریم های ۱۰ ساله علیه ایران را از اشکالات توافق هسته ای دانستند که بر اثر عجله برای زودتر رسیدن به توافق و در نتیجه غفلت از جزئیات روی داده است. ایشان فرمودند: «در مذاکرات هسته ای بحث های فراوانی راجع به تحریم ها شد اما اکنون در کنگره آمریکا مساله تحریم ها را مطرح می کنند و مدعی اند اینها تحریم نیست بلکه تمدید است! بروز این مشکلات ناشی از عجله در انجام کار است. وقتی عجله داریم که کار را زودتر تمام کنیم و به جایی برسانیم، از جزئیات غفلت می کنیم و گاهی غفلت از یک امر جزئی، موجب ایجاد رخنه در آن کار می شود». همه این اتفاقات در حالی رخ داد که رهبر معظم انقلاب در مراسم تنفیذ حکم دوازدهمین دوره ریاست جمهوری در تاریخ ۹۶/۵/۱۲ خطاب به

رئیس‌جمهور فرموده بودند: «چهار دهه تجربه فعالیت بین‌المللی به ما نشان داده هزینه تسلیم در برابر قدرت‌های زورگو به مراتب بیشتر از هزینه ایستادگی در مقابل آن‌هاست؛ تسلیم شدن در مقابل زورگویی قدرت‌های زورگو، ملت‌ها و کشورها را بیچاره کرده و راه‌های پیشرفت آن‌ها را به معنای واقعی کلمه مسدود می‌کند».

۲-۵. تقویت همکاری‌های دو و چندجانبه

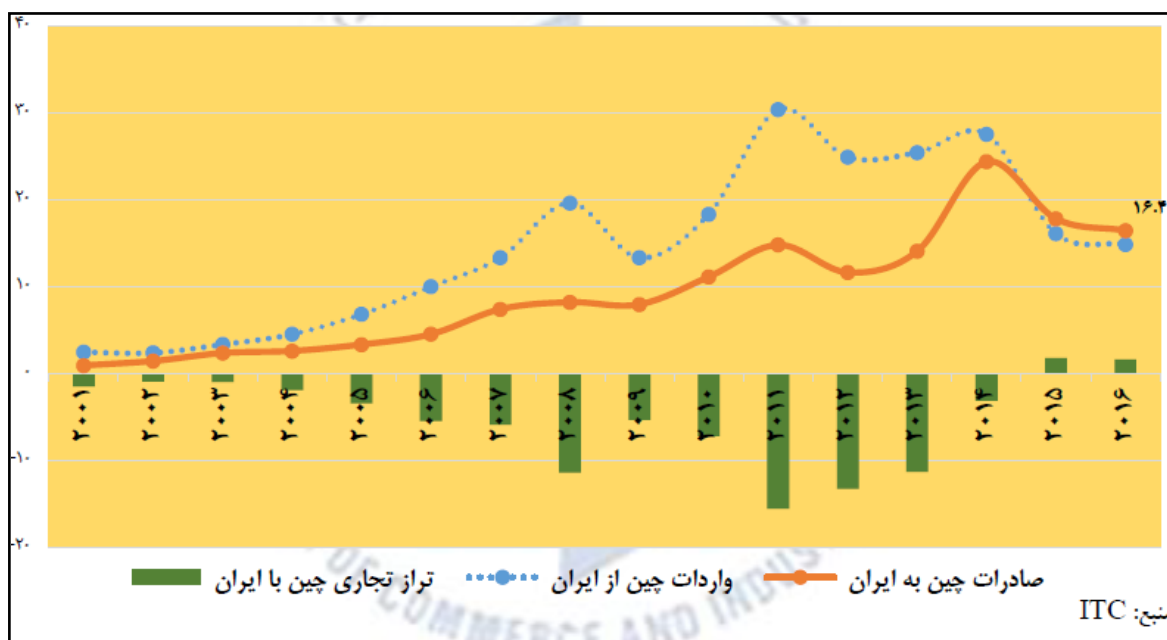
یکی از دغدغه‌هایی که دولت یازدهم طی چهار سال نخست با آن مواجه بود، نحوه تنظیم مناسبات خود با بازیگران تعریف شده در دو حوزه شرق و غرب محسوب می‌شود. سیگنال‌های مثبت ابتدایی ارائه شده از سوی شخص رئیس‌جمهور و دولت یازدهم به ایالات متحده آمریکا و تروئیکای اروپایی به طور طبیعی منجر به احساس خطر و گارد بسته‌تر روسیه و چین در مقابل ایران شد. حتی این مساله خود را در مذاکرات هسته‌ای میان ایران و اعضای ۵+۱ نیز نشان داد. شاید یکی از اصلی‌ترین دلایل بروز این بحران، خروج سیاست خارجی دولت فعلی از مدار نه شرقی - نه غربی و تبدیل آن به الگوی بیشتر غرب، کمتر شرق می‌باشد. این در حالیست که دولت یازدهم می‌توانست در سایه حرکت در همان مدار نه شرقی - نه غربی، تعامل لازم با این دو را با تکیه بر بازی تاکتیکی و اقتضایی خود در پی بگیرد. در اینجا نیازی به برهم زدن فرمول اصلی و رویکرد کلان حاکم بر نحوه تنظیم مناسبات ما با کشورهای غربی و شرقی نبود.

گفتمان غرب گرایی آمریکا محور دولت یازدهم و دوازدهم در عرصه سیاست خارجی سبب شد تا علاوه بر اینکه روسیه و چین نقش کمتری در پرونده‌های بین‌المللی با ایران داشته باشند، در زمینه اقتصادی نیز سهم اندکی ببرند. همانطور که نمودار ذیل نشان می‌دهد، پس از روی کار آمدن دولت آقای روحانی، تراز تجاری چین با ایران مثبت شد که بدین معنا است، ایران روند روبه رشد صادرات خود به چین را در دولت روحانی از دست داد و موازنه تجاری را به ضرر این کشور شد. در یک کلان تصویر باید گفت، سیاست خارجی و دیپلماسی اقتصادی ضعیف دولت کنونی سبب شده تا کشور از موضع یک صادرکننده کالا و خدمات به یک کشور واردکننده و مصرف کننده تبدیل شود که سهم مهلکی برای اقتصاد در حال رشد ایران است.

نمودار ۴- تراز تجاری چین با ایران

منبع: سازمان توسعه تجارت

این مهم نشان می دهد که ایران نتوانسته روابط سیاسی و دیپلماتیک خود با چین را همانند گذشته محکم نگاه دارد. در حالی که در دولت دهم نیز تحریم های گسترده ای بر ضد اقتصاد ایران اعمال شد، با این حال وضعیت تجارت



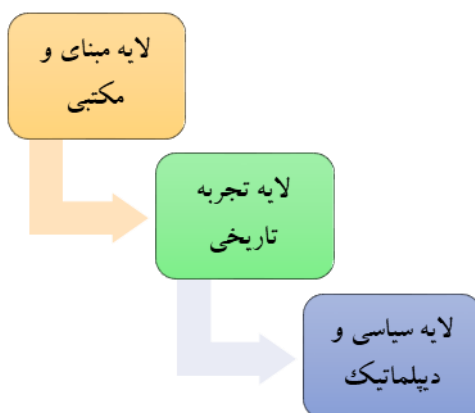
خارجی ایران در دوره کنونی به مراتب ناگوارتر از وضعیت گذشته بوده است.

این درحالی است که کارشناسان همین وضعیت را برای روابط اقتصادی ایران با دیگر کشورهای شرق و جنوب شرق آسیا ارزیابی می کنند. دولت روحانی که تصور می کرد با امضای برجام می تواند گره کور اقتصاد ایران را به دست اروپایی ها و آمریکایی ها باز کند، باردیگر نیز نتوانست ایده تعامل با کدخدا را در عرصه اقتصادی به نتیجه مشخصی برساند.

۳-۵. تهاجم علیه نظام سلطه در نظام جهانی

مقام معظم رهبری، منطق مذاکره با آمریکا را قوی و محکم تلقی می کنند و باب مذاکره با آمریکا را نه تنها راهکار حل مشکلات کشور بلکه نقطه آغاز توقعات و فشارهای جدید علیه ملت ایران می دانند. می توان منطق مقام معظم رهبری برای عدم مذاکره با آمریکا را در سه لایه تقسیم بندی کرد:

نمودار ۷- لایه های منطقی عدم مذاکره با آمریکا



با توجه به اهمیت و چالش برانگیز بودن موضوع به بررسی لایه های منطقی عدم مذاکره با آمریکا از دیدگاه رهبر انقلاب پرداخته می شود.

لایه مبنای و مکتبی: کفر به طاغوت لازمه ایمان است و آمریکا طاغوت اعظم است

آیهی شریفهی قرآن می فرماید: «فمن یکفر بالطاغوت و يؤمن بالله فقد استمسک بالعروة الوثقی». این، اعتصام به جبل الله را برای ما معنا می کند. تمسک به جبل الله چگونه است؟ با ایمان بالله و کفر به طاغوت. امروز طاغوت اعظم در دنیا، رژیم ایالات متحده امریکا است؛ زیرا صهیونیسم را او به وجود آورده است و آن را تأیید می کند. امریکا جانشین طاغوت اعظم قبلی یعنی انگلیس است. امروز تجاوز رژیم ایالات متحده و همفکرانش و همکارانش، دنیای اسلام را در وضعیت دشواری قرار داده است و دنیای اسلام در پیشرفت خود، در موضعگیری خود، در ترقی مادی و معنوی خود، زیر فشار امریکا و همکاران و همفکران اوست. در بسیاری از بخشهای امت اسلامی ایمان بالله هست؛ اما کفر به طاغوت نیست. کفر به طاغوت لازم است. بدون کفر به طاغوت، تمسک به عروهی وثقای الهی امکانپذیر

نیست. ما کشورها و دولتها و ملتها را به این که به جنگ با امریکا بشتابند، دعوت نمی‌کنیم؛ ما دعوت می‌کنیم که تسلیم امریکا نشوند.^۱

منطق تجربه تاریخی: امریکا دشمنی را شروع کرد

بعضی خیال می‌کنند دشمنی‌هایی که با ما میشود به‌خاطر این است که ما ستیزه‌گری کرده‌ایم؛ ما دائماً انگشت در چشم اینها کرده‌ایم، [لذا] اینها از این جهت با ما دشمنی میکنند؛ نه، این هم خیال غلطی است، تصور غلطی است. ما شروع‌کننده نبوده‌ایم. اول انقلاب آمریکایی‌هایی که دستگیر شده بودند، چند روزی نگه داشته شده بودند، امام فرمود با کمال مراقبت بروند به محل خودشان، سفارت خودشان؛ تا قبل از اینکه مسئله‌ی تسخیر سفارت پیش بیاید - که آن هم عواملی داشت، مقدّماتی داشت- [آمریکایی‌ها] در کمال امنیّت اینجا زندگی می‌کردند؛ راحت می‌رفتند، می‌آمدند؛ و البته بدجنسی میکردند. ما شروع نکردیم، آنها شروع کردند؛ آنها از همان اول شروع کردند: با بدگویی، با تحریم، با طلبکاری، با پناه دادن به دشمن ملت ایران؛ شروع‌کننده آنها بودند.^۲

منطق سیاسی و دیپلماتیک: بی‌نفع و با ضرر

رابطه‌ی سیاسی با آمریکا برای ما مضر است. اولاً خطر آمریکا را کم نمیکند. آمریکا به عراق حمله کرد؛ در حالی که با هم رابطه‌ی سیاسی داشتند، سفیر داشتند؛ این آنجا سفیر داشت، آن هم اینجا سفیر داشت. رابطه که خطر جنون‌آمیز و سیطره‌طلبانه‌ی هیچ قدرتی را از بین نمیرد. ثانیاً وجود رابطه برای آمریکائی‌ها - نه امروز، همیشه اینطور بوده - وسیله‌ای بوده است برای نفوذ در قشرهای مستعد مزدوری در آن کشور. انگلیسی‌ها هم همین‌طور بودند. انگلیسی‌ها هم در طول سالیان متمادی سفارتخانه‌شان مرکز ارتباط با سفلگان ملت بود؛ کسانی که حاضر بودند خودشان را به دشمن بفروشند. سفارتخانه‌ها یکی از کارهایشان این است... اینها این خلأ را در ایران دارند؛ احتیاج به پایگاه دارند، و پایگاه ندارند؛ این را میخواهند. احتیاج به رفت و آمد آزاد و بی‌دغدغه‌ی مأموران جاسوسی و مأموران اطلاعاتی‌شان و ارتباطات نا مشروع آنها با عناصر سفله و مزدور دارند؛ اما این را ندارند. ارتباط، این را برای آنها تأمین میکند. حالا میشینند آقایان وراجی کردن و حرف زدن و استدلال کردن، که نبود رابطه‌ی با آمریکا برای

^۱ بیانات در تاریخ ۱۳۹۸/۵/۳۰

^۲ بیانات در تاریخ ۱۳۹۵/۳/۲۵

ما مضر است. نه آقا! نبود رابطه‌ی با آمریکا برای ما مفید است. آن روزی که رابطه‌ی با آمریکا مفید باشد، اول کسی که بگوید رابطه را ایجاد بکنند، خود بنده هستم.^۱

بنابراین همانطور که در ادبیات مقام معظم رهبری مشاهده می شود، منع مذاکره با آمریکا، صرفاً مسأله‌ای سیاسی یا شعاری نیست، بلکه دارای پشتوانه‌های عمیق دینی و تاریخی است. از این رو اینکه امروز دولت تدبیر و امید به آسانی سخن از آمادگی مذاکره با آمریکا سخن می گوید، نه تنها با دیدگاه‌های رهبر انقلاب اسلامی، بلکه با باورهای دینی و تاریخی ملت ایران همسویی ندارد. این در حالی است که مذاکره با آمریکا از جمله مسائلی بوده که دولت تدبیر و امید، نسبت به آن ابزار علاقه کرده است.

در دولت کنونی چندین بار از آمادگی دولت ایران برای مذاکره با آمریکا سخن گفته است. وی پس از سرنگونی پهباد آمریکایی در خلیج فارس شرایط ایران برای مذاکره با آمریکا را مطرح کرده است: قدرت بزرگی که زورگویی می کند باید در برابرش ایستاد. اگر از زورگویی دست بردارد ما همین ساعت و همین لحظه آماده مذاکره هستیم. شما از ظلم خود دست بردارید. از تجاوز و تحریم‌تان دست بردارید به میز مذاکره و عقل و منطق بازگردید، ما آماده مذاکره هستیم. به نظر می رسد طرح مسأله مذاکره با آمریکا بیشتر یک راهکار عملیات روانی برای خروج از حجم فشارهای منتقدان به عملکرد دولت است. دولت کنونی نتوانست به وعده‌های انتخاباتی خویش جامه عمل بپوشاند و از این رو مذاکره با آمریکا را به عنوان یک دستاویز برای بستن دهان منتقدان مطرح می کند.

جمع بندی

بررسی‌ها نشان می دهد، عدم انطباق حکمرانی سیاست خارجی دولت دوازدهم با حکمرانی متعالی، ریشه اصلی شکست و ناکارآمدی کاملاً محسوس و نگران کننده دیپلماسی در دوره کنونی شده است. دولت کنونی نتوانسته در عرصه سیاست خارجی، کارنامه قابل قبولی از خود برجای بگذارد. عمده شاخص‌های بررسی سیاست خارجی ایران در دوره دولت تدبیر و امید نشان از ضعف، شکست و ناکارآمدی به همراه دارد. تمرکز بر رابطه با غرب به ویژه با ایالات متحده و در نظر نگرفتن فرصت‌های منطقه‌ای و پیرامونی در کنار گره زدن اقتصاد کشور به مسأله برجام، اعتماد ساده‌منشانه به غرب به ویژه آمریکا و اروپا از سیاست خارجی دولت دوازدهم یک دستگاه کاملاً ناکارآمد برجای گذاشته است. باید متذکر شد، ریشه و چالش اصلی مشکلات و عدم توانایی دولت در دستیابی به اهداف

^۱ بیانات در تاریخ ۱۳/۱۰/۱۳۸۶

سیاست خارجی خود ناشی از گفتمان و راهبردی نادرستی است که در این شش سال بر دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی کشور سیطره داشته است. از این رو به نظر می رسد تا زمانی که دولت برای حل و فصل چالش های خود در محیط بین المللی و منطقه ای همچنان منتظر پاسخ مثبت آمریکا است، نمی تواند دستاورد خاصی به همراه بیاورد. حرکت به سمت گفتمان ناب انقلاب اسلامی و راهبرد مقاومت در برابر نظام سلطه می تواند با تغییر سکنداران هدایت سیاست خارجی، از فرصت های به وجود آمده در سال های اخیر نهایت استفاده را ببرد. در حال منطقه نیازمند رهبری دیپلماتیک ایران است تا بتواند فرایند مذاکره و گفتگو میان کشورهای غرب آسیا را به سمت دستیابی به یک الگوی ثبات منطقه ای سوق دهد.

منابع:

۱. آجیلی، هادی، افشاریان، رحیم (۱۳۹۵)، گفتمان اعتدال در سیاست خارجی دولت یازدهم، فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۱۹
۲. خاشعی، وحید، هرنندی، عطاالله (۱۳۹۳) تبیین ابعاد حکمرانی متعالی مبتنی بر سیره حکومتی امام علی علیه السلام، دوره ۵، شماره ۱۰
۳. دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۷)، آرمان گرایی و واقع گرایی در سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی (ره)، نشریه سیاست خارجی، شماره ۵۰
۴. سیمبر، رضا، ملکی، آذیتا (۱۳۹۸)، بایسته های حکمرانی و ایماژهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین الملل، دوره ۸، شماره ۴
۵. شمسینی غیائی، حسن، نصیری، رضا (۱۳۹۴) رویکرد مقام معظم راهبردی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر روش مذاکره و مفهوم نرمش قهرمانانه، سیاست، دوره ۴۵
۶. واعظی دهنوی، عباس (۱۳۹۱)، مبانی سیاست خارجی در اندیشه مقام معظم رهبری، جستارهای سیاسی معاصر، سال سوم، شماره اول

7. Fidler, David (2007), Reflections on the revolution in health and foreign policy, Bulletin of the World Health Organization, No: 85

8. <https://www.mehrnews.com/news/2054218/%D8%A2%D9%85%D8%B1%DB%8C%DA%A9%D8%A7-%DA%A9%D8%AF%D8%AE%D8%AF%D8%A7-%D8%A7%D8%B3%D8%AA-%D8%A8%D8%A7-%D8%A2%D9%85%D8%B1%DB%8C%DA%A9%D8%A7-%D8%A8%D8%A8%D9%86%D8%AF%DB%8C%D9%85-%D8%B1%D8%A7%D8%AD%D8%AA-%D8%AA%D8%B1%DB%8C%D9%85-%D8%A8%D9%87%D8%AA%D8%B1%DB%8C%D9%86-%D8%B1%D8%A7%D9%87-%D9%86%D8%A7%D8%A8%D9%88%D8%AF%DB%8C>

9. www.farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23743